

نقش سرمایه فرهنگی در تأمین امنیت داخلی

روزیتا سپهرنیا^۱ و محمدطاهر شیخی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

چکیده: به نظر می‌رسد ورود به عرصه جدید مناسبات جهانی و برخورداری از تکنولوژی‌های پیشرفته سبب کاهش کنترل‌های اجتماعی دولت‌ها شده و نوع، میزان و اثرگذاری آسیب‌ها و ناامنی‌های اجتماعی بیشتر از گذشته شده است. از این رو آموزش و تربیت نسل جوان در شکل‌گیری سرمایه فرهنگی، می‌تواند عاملی برای بروز امنیت اجتماعی و پیشگیری از گسست‌های اجتماعی در کشورمان محسوب شود. از این رو این مقاله سعی دارد نقش و جایگاه سرمایه فرهنگی را در تبیین و تأمین امنیت اجتماعی بررسی نماید. این مقاله از نظر هدف توصیفی، از نظر گردآوری داده‌ها پیمایشی و از حیث تحلیل از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شهروندان تهرانی به تعداد تقریبی ۱۳ میلیون نفر بوده که از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از شهروندان از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه استاندارد سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی، که پس از بررسی روایی صوری و محتوایی توسط صاحب‌نظران و بررسی پایایی از طریق آلفای کرونباخ (۰/۸۸) مورد تأیید قرار گرفته شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که هر سه بعد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته، نهادینه) در بروز امنیت اجتماعی مؤثر بوده و سهم تبیین‌کنندگی سرمایه فرهنگی تجسد یافته در این بین از موارد دیگر مؤثرتر می‌باشد. از این رو می‌توان ارتقاء امنیت اجتماعی در جامعه را از طریق تولید سرمایه‌های فرهنگی در جامعه و بصورت آموزش هدفمند در نظام آموزشی بستر سازی و فراهم نمود.

واژگان اصلی: سرمایه فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت داخلی.

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم اجتماعی، رودهن، ایران. (نویسنده مسئول)

sepehrnia@riau.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

مقدمه

امنیت^۱ از ریشه لاتین (secures) است که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است (کلاه چیان، ۱۳۸۲: ۱۳۷). بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، دغدغه هراس، ترس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش و اعتماد است. اگرچه امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان نقشی مهم و کلیدی ایفاء می کند و فقدان آن و یا اختلال در آن پیامدها و بازتابی نگران کننده و خطرناکی به دنبال دارد، لکن احساس ناامنی از خود ناامنی بدتر است. احساس ناامنی ممکن است در دراز مدت اثرات نامطلوبی بر کیفیت زندگی و بهره وری اقتصادی و اجتماعی افراد داشته باشد. ترس از ناامنی می تواند تأثیرات روان شناختی گسترده ای شامل اضطراب، بی اعتمادی، احساس بیگانگی، انزوا و عدم رضایت از زندگی ایجاد کند (خسروپور، ۱۳۹۲: ۶۰-۶۱). مروری بر موضوع امنیت نشان می دهد که امروزه، توافق نظری و واقع بینانه بر سخت بودن ماهیت امنیت در هم شکسته و مفهوم پرشتت امنیت با سایر عرصه های زندگی، چنان آشنایی پیدا کرده است که تفکیک آن به سادگی امکان پذیر نیست. دنیای جدید، آنچه را هست، نیست و آنچه را نیست، هست جلوه می دهد. پیچیدگی تحولات ناشی از فرآیند جهانی شدن و ظهور فناوری های مدرن، منشاء تهدیدات امنیتی را متنوع، متعدد و پیچیده تر از گذشته کرده است. با افزایش میزان و شدت استفاده از فناوری های نوین از یک سو و تاثیر پذیرفتن مسائل اجتماعی از تغییرات مبتنی بر آن از سوی دیگر، جوامع بسیار آسیب پذیرتر از گذشته شده و به تبع آن، ضرورت وجود امنیت نیز اهمیت بیشتری یافته است و جوه متعدد و متنوع زندگی در عصر جدید امنیت را به مفهومی چند بعدی و منشوری تبدیل کرده است بر این اساس صاحب نظران این حوزه برای امنیت وجوه و ابعاد مختلفی را بر شمرده اند؛ از نظر باری بوزان امنیت دارای پنج بعد امنیت نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی (به توانایی حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط پذیرفته شده از تحول مربوط می شود) می باشد (طلایی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۹-۶۲). بررسی و شناسایی امنیت اجتماعی^۲ از دیدگاه جامعه شناسی مستلزم تشخیص و تعیین جایگاه امنیت در مکاتب جامعه شناسی است. امنیت را می توان در دو بعد اخلی و خارجی نیز طبقه بندی نمود. آنگاه که امنیت یک کشور در

1 - Security

2 - Social Security

بعد ملی و در بین اقوام، مناطق، هویت ها و در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مد نظر باشد می توان از این امنیت بنام "امنیت داخلی" نام برد و هر جایی که حفظ حراست از هجمه های فراملی و بین المللی در عرصه های روابط بین المللی مد نظر باشد می توان از "امنیت خارجی" بهره برد. در این مقاله سعی شده است که امنیت داخلی با رویکرد تمرکز بر امنیت اجتماعی در تعاملات و روابط فردی در بین احاد اجتماع و در عرصه های اعتماد و مشارکت اجتماعی مورد توجه بیشتری قرار گیرد آن چه که می تواند بازنمایی از تربیت و شکل گیری نظام آموزشی را در راستای پرورش شهروندان آگاه، مطیع، مطالبه گر در کشور متجلی نماید.

امنیت ملی و امنیت دولت لزوماً به معنای امنیت جامعه نیست با وجود همپوشانی معنایی بین امنیت ملی، امنیت اجتماعی و امنیت فردی، باید توجه داشت که مرجع آن سه مفهوم متفاوتند. بدین مضمون که مرجع اصلی امنیت ملی، دولت و حاکمیت ملی است، مرجع امنیت اجتماعی، جامعه است و مرجع امنیت فردی عبارت است یکایک شهروندان. در امنیت اجتماعی بر احساس امنیت گروه های اجتماعی، معیار سنجش، سطح امنیت است. اگر جمعیت تشکیل دهنده یک کشور نسبت به ارزش های حیاتی مانند تمامیت ارضی و رژیم سیاسی احساس تعلق کرده و در احیاء و ارتقای هویت ملی بکوشند، انسجام اجتماعی وجود دارد. اما اگر گروه های مختلف جامعه، اطمینان خاطر خود نسبت به سلامت جامعه را از دست بدهند و با تکیه بر وجه تمایز مذهبی، دینی و قومی، در مشروعیت ارزش های حیاتی تردید کنند، آنگاه نظام اجتماعی جامعه از هم گسیخته می شود و زمینه برای جنگ داخلی، مداخله خارجی، بی اعتمادی و امنیتی شدن مسائل عادی مهیا می شود. امنیت اجتماعی به معنای تمهید فضا و ابزارهای لازم برای ابراز وجود و طرح نظر گروه های مختلف اجتماعی از قبیل زنان، جوانان، اقوام و اقلیت ها، هنگامی موثر و مطرح است که به عنوان یک امر گریزناپذیر یا یک ارزش پذیرفته شود. امنیت اجتماعی مورد نظر، اطمینان خاطر جامعه در قبال تحولات عادی و تحرکات عمدی معطوف به سلامت و هویت خود است. همانگونه که دیده می شود در این تعریف، هویت گروهی فقط یکی از منابع نگرانی جامعه است.

گسست امنیت اجتماعی در مواجهه با تهدید اجتماعی صورت می پذیرد. تهدید اجتماعی به هویت و ارزش های مورد احترام مربوط می شود و طی آن «ما» بی یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله واقع می گردد. این قبیل تهدیدات، در محدوده داخل کشور اتفاق می افتد، اما اخیراً با گسترش فرآیند جهانی شدن، تهدید اجتماعی معنای بین کشوری و فراملی را هم یافته است. موج

فزاینده مهاجرت، مسافرت، تجارت، ارتباطات و هژمونی باعث تلقی تهدید اجتماعی، به مثابه تهدید سیاسی و حتی تهدید امنیت ملی، شده است. بر این اساس، هویت در کانون توجه مطالعات و بازیگران قرار می‌گیرد. ویور بر آن است که ایده امنیت، ماهیت اجتماعی (Societal) داشته و در بستر جامعه ساخته و پرداخته می‌شود. تحلیل‌های امنیتی مناطق به شکل متفاوتی صورت می‌پذیرد و یکسان‌انگاری نظری و عملی به هیچ وجه روا نیست. نهایت اینکه هر مجموعه منطقه ای، فرمول ویژه خود را دارد. یک کشور را باید در کد منطقه‌ای خود قرار داد و امنیت و یا ناامنی آن را مطالعه کرد. تجویز رویکرد امنیتی یکسان، برای مناطق مختلف، نتیجه‌بخش نیست. امروزه نظام آموزش و پرورش متولی تولید سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های فکری در جوامع می‌باشند. مریت رقابتی جوامع در لذا برای تأمین امنیت داخلی و اجتماعی بین مردم می‌باید "هویت جمعی" را در ایشان متعالی و شکوفا نمود، امری که با تجویز، ارباب و تهدید و بصورت سلبی محقق نمی‌شود. برای هویت بخشی در عرصه‌های فردی و جمعی و تغییر نگرش مبتنی بر پذیرش و احترام به حقوق شهروندی می‌توان از ابزار آموزش و تربیت صحیح بهره‌مند شد. سرمایه فرهنگی، سرمایه‌ای نوین در شکل‌گیری نیروی انسانی کارآمد و خلاق در عرصه‌های فرهنگی و مبنای ارزشی می‌باشد، مهارت و توانمندی و قابلیت‌های فردی که می‌تواند بصورت اکتسابی و در فرایند جامعه‌پذیری بصورت بومی و ملی در بین آحاد مردم جاری و ساری شود و باعث حفظ، تداوم و ثبات پایگاه‌های اجتماعی افراد در تعاملات اجتماعی باشد. این سرمایه در بعد اولیه و در حوزه فردی می‌تواند بصورت تجسد یافته و اکتسابی از طریق آموزش، پرورش، و با شکل‌دهی به عادات و شکل‌گیری سلائق و ذائقه‌های فرهنگی از خانواده به فرزندان انتقال یابد. بدین منظور محقق می‌انگارد که شیوه تربیتی هدفمند در بروز سرمایه فرهنگی، می‌تواند باعث تبلور امنیت اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی و سیاسی و به معنای وسیع‌تر بروز امنیت داخلی در کشور شود.

این اتفاق نظر وجود دارد که مفاسد اجتماعی بویژه در کلانشهرهایی مانند تهران، گسترش یافته و بیشترین میزان آن متوجه مفاسد اخلاقی و فرهنگی بوده است و در برخی مسایل علیرغم این که منع قانونی و قبح اخلاقی دارند در جامعه شیوع یافته است مانند: اعتیاد، قاچاق مواد مخدر، پرخاشگری، جنایت، خودکشی، کودک‌آزاری، جرایم مالی و اقتصادی و سرقت، روسپی‌گری، تکدی‌گری، فرار کودکان از خانه، ... که همگی می‌توانند مانعی برای درک امنیت داخلی و امنیت

اجتماعی در جامعه باشند. در جامعه امروز ما منزلت و کارآمدی گروه‌های مرجع سنتی، کاهش یافته و برخی گروه‌های مرجع جدید پدید آمده‌اند که به نوعی به مرجعیت کاذب دامن زده‌اند، در عرصه سیاسی، قانون‌گریزی، بی‌هنجاری، بی‌تقوایی، ضعف فرهنگ تساهل و تسامح سیاسی، منطق سیاسی سیاه و سفید، ضعف فرهنگ گفت‌وگو و دیپلماسی حزبی، روحیه فردگرایی، گروه‌گرایی، جناح‌گرایی و استبدادزدگی در جامعه حاکم شده است، برخی ارزش‌های سنتی در جامعه نظیر «احترام به بزرگتر»، «احترام به پدر و مادر»، «مهمان‌نوازی» و غریب‌نوازی تضعیف شده است، این اتفاق نظر وجود دارد که به ارزش «اعتماد» در جامعه ایران، آسیب‌های جدی وارد شده است. اعتماد افراد جامعه به یکدیگر در تعاملات زندگی روزمره، خدشه‌دار شده و این بی‌اعتمادی، حتی به حوزه «خانواده» نیز سرایت کرده است و بی‌اعتمادی مردم به مسئولین و کارگزاران حکومتی نیز مزید بر علت است (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷). از طرفی مهاجرت‌های بی‌رویه، بیکاری و دیگر عوامل اجتماعی، شلوغی و افزایش تنوع فرهنگی و قومی در شهر تهران موجب گردیده تا افزایش انواع آسیب‌های اجتماعی نظیر نزاع و درگیری، اختلافات خانوادگی، اعتیاد، طلاق، انواع سرقت‌ها، فراوانی انواع مخدر در دسترس جوانان، بی‌اعتمادی اجتماعی و ... از حالت یک پدیده اجتماعی ساده خارج و به شکل یک مشکل و معضل اجتماعی درآید و از سوی دیگر با افزایش سریع و گسترده‌ی وسایل ارتباط جمعی و دسترسی نسبتاً آسان اکثر افراد جامعه به آن‌ها و در نتیجه اطلاع‌یابی از مسائل مربوط به وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی، علاوه بر تحمیل هزینه‌های مالی به شهروندان و دولت با فراهم آوردن زمینه‌های کاهش احساس امنیت اجتماعی هزینه‌های روحی روانی را نیز به شهروندان تهرانی تحمیل نموده است. حال با عنایت به اینکه امنیت و احساس امنیت یکی از اساسی‌ترین نیازهای اولیه انسان است بدیهی است این سطح از ناامنی می‌تواند تأثیرات بسیار مخربی بر زندگی شهروندان این شهر داشته باشد.

بنابراین ایجاد آرامش، رفاه، رشد، شکوفایی انسان، بروز استعدادها و خلاقیت‌ها و نیل به تمام کمالات انسان در سایه امنیت داخلی از جمله امنیت اجتماعی در نظام اجتماعی، از جمله نیازهای اساسی، حیاتی و دائمی اجتماعات است. ایجاد، حفظ و گسترش امنیت اجتماعی از اهداف و ارزش‌های بنیادین دولت‌ها و اجتماعات و پیش‌نیاز توسعه پایدار است و تحقق این مهم نیازمند شناخت مجموعه عواملی است که در ایجاد یا سلب آن نقش جدی دارند. در این میان سرمایه‌های فرهنگی از جمله عواملی است که می‌تواند با تولید عادات، سلائق و رفتارهای هدفمند، در

کانون توجه بسیاری از تحلیلگران و نظریه پردازان اجتماعی در راستای تحقق امنیت اجتماعی در جوامع مؤثر و نقش آفرین باشند و تمامی این نشانه ها دلایلی هست بر این معنا که باید عواملی را که می توانند این امنیت را مخدوش، ترمیم و یا ارتقاء دهند، مانند سرمایه فرهنگی مورد توجه و بررسی قرار داد.

هدف اصلی

افزایش و ارتقاء امنیت اجتماعی از طریق سرمایه فرهنگی در شهر تهران

اهداف فرعی

۱- تعیین سهم بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی در بروز امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران
 ۲- تعیین سهم بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی در بروز امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران
 ۳- تعیین سهم بعد نهادینه سرمایه فرهنگی در بروز امنیت اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران
 امنیت اجتماعی، یعنی آرامش و آسودگی خاطری که جامعه برای اعضای خود، ایجاد می کند. یکی از خصایص اصلی این نوع امنیت، آن است که جامعه، مسئول به وجود آوردن آن است. به عبارت دیگر باید اذعان داشت که یکی از وظایف و اهداف جامعه، همانا برقراری امنیت است. امنیت اجتماعی، به قلمروهایی از حفظ حریم فرد مربوط می شود که به نحوی در ارتباط با دیگر افراد جامعه هستند. این قلمروها می توانند قومیت، اعتبار، نقش اجتماعی و کار و پیشه (یا شغل افراد) باشند. به عبارت دیگر، «امنیت اجتماعی براساس حفظ جان، مال، آبرو و حیثیت افراد جامعه استوار است و در صورتی که این محورها، خدشه دار شوند، امنیت اجتماعی متزلزل خواهد شد (لرنی، ۱۳۸۳: ۳۵).

"امنیت اجتماعی" یکی از عناصر بنیادی بعد سیاسی نظم اجتماعی محسوب می گردد که دارای ابعاد متنوعی شامل ذهنی و عینی، داخلی و خارجی، فردی و جمعی می باشد و از لحاظ گستره نیز شامل حیطه های ملی، منطقه ای و جهانی است، این امنیت از جنبه سطح به سطوح خرد و کلان تقسیم می شود. هریک از این ابعاد، گستره و سطوح امنیت به نوبه خود به خرده ابعاد دیگری تقسیم می شود، برای مثال، امنیت در سطح خرد می تواند شامل امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری، امنیت بیانی، امنیت اخلاقی، امنیت شغلی و امنیت حقوقی باشد و یا در سطح کلان نیز می تواند زیر سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و طبیعی یا زیست محیطی را دربر گیرد.

باری بوزان امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند. در واقع او امنیت اجتماعی را به حفظ ارزش‌ها و هویت گروهی تقلیل می‌دهد و مقصود از آن را چگونگی حفظ و دفاع از ارزش‌ها و هویت‌ها می‌داند. منابع اصلی برای تأمین امنیت اجتماعی شامل: هنجارهای اجتماعی یا ابزار کنترل درونی، دوست یا ابزار کنترل بیرونی و گروه‌های هویتی است. امنیت اجتماعی یکی از شاخص‌های اساسی رفاه اجتماعی است که می‌توان آن را در یک شبکه علت و معلولی مورد بررسی و ارزیابی قرار داد بدین لحاظ امنیت اجتماعی به توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متحول و تهدیدات واقعی یا احتمالی مربوط است (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶)

هدف‌های استقرار امنیت به علت تنوع وظایف دولت در قلمرو حاکمیت کشور و همچنین به لحاظ اهمیت و نقش آنها عبارتند از:

- ۱- حفظ استقلال و تمامیت ارضی و وحدت ملی.
- ۲- حفظ ارزش‌های معتبر اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی.
- ۳- حفظ شیوه زندگی مردم و تأمین رفاه و ثبات سیاسی.
- ۴- ایجاد زمینه مساعد برای انجام هر گونه فعالیت‌های افراد جامعه (لرنی، ۱۳۸۲: ۳۰).

اما سرمایه فرهنگی چیست و ابعاد آن کدامند؟ سرمایه فرهنگی مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات است که فرد، برای حفظ کردن یا به‌دست آوردن یک موقعیت اجتماعی از آن استفاده می‌کند. به عبارت دیگر، سرمایه فرهنگی به‌طور دائمی در قلمرو امکانات یک قشر، گروه، طایفه یا قبیله است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۴) این سرمایه بدون کوشش شخصی کسب و به ارث برده نمی‌شود، کسب سرمایه فرهنگی کار طولانی، مداوم و پی‌گیر، یادگیری و فرهنگ‌پذیری را می‌طلبد. کسب سرمایه فرهنگی زمان می‌خواهد و به امکانات مالی و مادی نیاز دارد، سرمایه فرهنگی از این بابت به‌نحوی تنگاتنگ به سرمایه اقتصادی گره خورده و به‌شکل دیگر آن، درآمد است (شویره کریستیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۶). بورديو جامعه‌شناس فرانسوی در تحقیقی که بر اساس فرضیه عدم تساوی سرمایه فرهنگی انجام داده، سرمایه فرهنگی را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف- سرمایه (تجسم یافته) بدنی و فردی، شامل: حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری و معلومات کسب‌شده که از سرمایه‌های بدنی و فردی محسوب می‌شوند. از مشخصه‌های این سرمایه، می‌توان به پیوستگی و درون‌یافتگی آن اشاره کرد. این سرمایه، دارایی است که به شخص

و خلق و خوی وی بدل شده است. به عبارت دیگر، تنها، صاحب این خصایص، دارنده این سرمایه فرهنگی است. به همین جهت نمی‌توان این سرمایه درونی شده را از طریق بخشش، وراثت و خرید و فروش به دیگری انتقال داد. در نهایت این‌که این نوع از سرمایه فرهنگی فانی و میراست، زیرا به شکل خاصی با یکتایی بیولوژیکی شخص، گره خورده است.

ب- سرمایه (عینیت یافته) عینی فرهنگی، شامل: مجموعه میراث‌های فرهنگی، آثار ادبی و شاهکارهای هنری و از این قبیل را سرمایه عینی فرهنگی می‌نامند. سرمایه فرهنگی عینیت یافته دارای یک رشته از ویژگی‌هاست که تنها می‌توان از طریق رابطه سرمایه فرهنگی عینیت یافته با سرمایه فرهنگی بدنی و فردی آن‌را معین کرد. این سرمایه (مانند کتاب، تابلوهای نقاشی، آلات موسیقی و ...) به لحاظ مادی از طریق صاحبانش قابل انتقال است (البته تنها از لحاظ مالکیت حقوقی قابلیت انتقال دارد).

پ- سرمایه (نهادینه شده) نهادی و ضابطه‌ای، شامل: مدارک تحصیلی، مدارک حرفه‌ای و کارا از نمونه‌های سرمایه نهادی و ضابطه‌ای هستند. مدرک تحصیلی سند تخصص فرهنگی است که به دارنده‌اش ارزش قراردادی تضمین شده‌ای ارائه می‌دهد. بوردیو بر این اعتقاد است که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحبش سرمایه فرهنگی و اجتماعی به‌وجود بیاورد، متقابلاً سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود می‌تواند سرمایه اقتصادی را به وجود آورد (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۶۵ - ۶۶).

از بعدی دیگر سرمایه فرهنگی به دو صورت وجود دارد. ممکن است ملموس باشد یعنی به شکل بناها، محل‌ها، مکان‌ها، مناطق، آثار هنری مثل نقاشی‌ها و مجسمه‌ها، مصنوعات و نظایر آن‌ها. در این تعریف، سرمایه فرهنگی شامل، اما نه محدود به میراث فرهنگی ملموس است. چنین سرمایه‌ای واجد همان ویژگی‌های ظاهری سرمایه مادی یا انسانی است. مثل سرمایه فیزیکی (مادی) که فعالیت انسانی آن را تولید می‌کند که برای دوره‌ای می‌پاید اگر دوام نیابد از بین می‌رود و به مرور زمان موجب پیدایش جریانی از خدمات می‌شود و با سرمایه‌گذاری جاری تولید آن افزایش می‌یابد، معمولاً خرید و فروش می‌شود و ارزش مالی قابل اندازه‌گیری دارد. ارزش فرهنگی آن را هم به صورت موجودی یا جریانی با استفاده از انواع نامگرها یا با ضابطه‌های ارزش فرهنگی، می‌توان تعیین کرد. سرمایه فرهنگی ممکن است ناملموس هم باشد، یعنی بصورت سرمایه معنوی به شکل ایده‌ها، اعمال، عقاید و ارزش‌هایی باشد که در یک گروه مشترک اند. این صورت از سرمایه فرهنگی مطابق با تفسیری سازنده از فرهنگ است و به شکل

آثار هنری از قبیل موسیقی و ادبیات بروز می کنند. در این معنا موجودی سرمایه معنوی ممکن است بر اثر بی توجهی از بین برود یا از طریق سرمایه گذاری جدید افزایش یابد این موجودی به مرور زمان موجب پیدایش جریانی از خدمات می شود. حفظ سرمایه معنوی موجود و آفرینش سرمایه جدیدی از این نوع نیازمند منابع است (صالحی و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۷۴).

بوزان بحث خود را در باب امنیت اجتماعی با بیان معنای ارگانیکی نهفته در این تئوری آغاز می کند و معتقد است زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد بود که نیروی بالقوه یا بالفعلی بعنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد. امنیت اجتماعی از نظر بوزان به حفظ مجموع ویژگی هایی ارجاع دارد که بر مبنای آن افراد خودشان را بعنوان عضو یک گروه اجتماعی قلمداد می کنند یا به بیان دیگر معطوف به جنبه هایی از زندگی فرد می گردد که هویت گروهی او را سامان می بخشند. در واقع آنچه باعث می شود گروه اجتماعی سامان گیرد احساس وابستگی و تعلق است که میان اعضای گروه وجود دارد و به آنها کلیت یکپارچه ای می بخشد که مبنای تعریف اعضا از هستی خویش خواهد بود و شناسایی دیگران بعنوان بیگانه و خارجی. پس گروه اجتماعی آن کلیت خاصی است که بدلیل اشتراک اعضای گروه در اندیشه و باورها، احساسات و عواطف، کردار و اعمال بوجود آمده است و از آن به عنوان "ما" یاد می کنند بطور مثال ما مسلمانان، ما زنان و... حال هر عامل و پدیده ای باعث اختلال در احساس تعلق و پیوستگی اعضای گروه گردد در واقع هویت گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می گردد. رهایی از ترس و رهایی از نیاز دو جزء مهم امنیت محسوب می شوند، عواملی که می توانند با تربیت صحیح و در لوای تولید سرمایه فرهنگی در جوامع مورد توجه قرار گیرند. تهدیدهای جدید و گسترده ای نیز بطور روز افزون امنیت انسانی را به خطر می اندازند و از این رو ضمانت اجرا و واکنش های مناسب و راهکارهای در خوری را می طلبد؛ بهر حال امنیت بر حسب تنوع و تعدد این خطرات و تهدیدات، بخش گوناگونی دارد که مهمترین آنها امنیت اقتصادی، قضایی، بهداشتی، محیط زیست، امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ارتباطات و امنیت سیاسی می باشد (کوزر، ۱۳۸۶). در این پژوهش برای صرفه جویی در وقت و زمان، صرفاً به تعریف امنیت اجتماعی و موضوعات مربوط به آن پرداخته شده است.

صالحی امیری و افشارنادری (۱۳۸۹) در تحقیق با عنوان "مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران" نشان دادند که در میان متغیرهای اثر گذار بر امنیت در

شهر تهران، بیشترین تأثیر معنادار را متغیر سرمایه فرهنگی بر امنیت داشته است. امنیت و سرمایه فرهنگی با متغیرهای چون نقش پول و تحصیل در موفقیت و ارتقای پایگاه‌های اجتماعی، میزان آزادی‌های فکری، نوشتاری و گفتاری، چگونگی گذران اوقات فراغت، انتخاب شادی، تردید در ارزش‌ها، نگاه‌های جنسیتی، میزان ترک تحصیل، افت تحصیلی، فرار نخبگان و غیره اندازه‌گیری شده است. داده‌های به دست آمده بسیار تردید آمیز و توأم با نارضایتی از موارد فوق بوده و همبستگی میان سرمایه فرهنگی و امنیت فرهنگی با قاطعیت مورد تایید قرار گرفته است به عبارت دیگر هرچه سرمایه فرهنگی افزایش یابد امنیت فرهنگی نیز افزایش می‌یابد و به عکس (صالحی امیری و افشارنادری، ۱۳۸۹).

موحد و همت (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان "مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان" در یافته‌های پژوهش نشان دادند که بین متغیرهای: نگرش به حجاب، عزت نفس، وسایل ارتباط جمعی نوین، دینداری اعتقادی، پیامدی و مناسکی، سرمایه فرهنگی - آموزشی، فرهنگی - گردشگری و فرهنگی - اجتماعی با متغیر احساس امنیت اجتماعی زنان ارتباط معناداری وجود دارد (موحد، همت، ۱۳۹۲).

عباسی و رازقی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر احساس امنیت شهروندان شهرستان‌های استان مازندران" نشان دادند که؛ هر سه بعد سرمایه فرهنگی (تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه) بر انواع امنیت (اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) دارای تأثیر مثبت و معناداری می‌باشند (عباسی و رازقی، ۱۳۹۷).

حقیقتیان (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "تأثیر سرمایه فرهنگی والدین بر موفقیت تحصیلی فرزندان در شهر اصفهان" نشان داد که خانواده‌های اصفهانی اکثراً متعلق به طبقه میانی جامعه هستند و میزان سرمایه فرهنگی آنها نیز در حد متوسط بوده و میزان ساعات مطالعه والدین در هفته برای دانش‌آموزان پایین می‌باشد و بیش از یک سوم والدین دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر هستند و تأثیر سرمایه فرهنگی خانواده بر عملکرد آموزشی فرزندان گویای این است که سرمایه فرهنگی والدین فقط بر عملکرد آموزشی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی تأثیر معناداری داشته است. از طرفی مشخص شد که سرمایه فرهنگی تجسم یافته دانش‌آموزان تأثیر معناداری بر عملکرد آموزشی آنها داشته است. براساس مطالعه صورت گرفته تفاوت‌چندانی بین دختران و پسران از نظر میزان در اختیار داشتن سرمایه‌های خانوادگی وجود ندارد. تنها تفاوت دسترسی فرزندان

دختر و پسر به سرمایه فرهنگی والدین از نظر آماری معنادار است که آن نیز از نظر مقدار بسیار ناچیز است (حقیقتیان، ۱۳۹۳: ۶۴-۶۷).

صالحی امیری و سپهرنیا (۱۳۹۴) در کتاب "الگوی ارتقاء سرمایه فرهنگی در ایران" مطرح می نمایند که سرمایه فرهنگی در مناسبات آتی جهان یکی از قدرت های تمایز بخش در دیپلماسی های همه جانبه در کشورها خواهد بود و می توان با تکیه بر آن از قالب های فرهنگی خارج شد و به معنای واقعی در سیاست گذاری های فرهنگی از آن بهره جست. بنابراین می توان با سیاست های فرهنگی، امنیت فرهنگی جامعه را رصد و مراقبه کرد. ایشان هم چنین مطرح کردند که وقتی در حوزه سرمایه فرهنگی شاخص های دست اندرکاران این سرمایه ها به درستی احصاء و تبیین شوند خواهند توانست نقاط ضعف و قوت وضعیت فعلی را در جامعه ترسیم کنند و با تعیین وضعیت مطلوب برای این شاخص ها که همگی مبتنی عادات جاری، سلايق موجود و ارزش های حاکم صورت می گیرند می توان شکاف های موجود را بررسی و به منظور تأمین آن ها دستورالعمل ها و خط مشی های کاملاً بومی بکار بست. از این رو شاخص های سرمایه فرهنگی در ایران به صاحب نظران فرهنگی و سیاستگذاران فرهنگی این ابزار را می دهد که آموزه های فرهنگی را در قالب های درست و ارزشی برای هویت ملی برنامه ریزی کنند و این امر خود می تواند عاملی برای بروز امنیت فرهنگی و اجتماعی را مهیا نماید (امیری و سپهرنیا، ۱۳۹۴: ۲۶۳-۲۶۵).

شارع پور و خوشفر (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان "رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان" نشان دادند که سرمایه فرهنگی با تغییرات خود انگاره جوانان ارتباط معناداری دارد و میزان رابطه این نوع سرمایه با بعد اجتماعی هویت به مراتب بیشتر است و منظور از بعد اجتماعی هویت، آن بخش از خود انگاره است که از عضویت گروهی ناشی می شود و کاملاً جدا از هویت فردی است. اهمیت هر یک از انواع هویت در خود انگاره ی فرد متفاوت است و تغییر می کند و تغییر اهمیت این هویت ها عمدتاً از عوامل موقعیتی و شرایطی ناشی می شود از جمله این عوامل می توان به سرمایه فرهنگی یا میزان دسترسی به منابع معرفی در جامعه اشاره کرد (شارع پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۴۳-۱۴۶).

واقفی و حقیقتیان (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری" نشان دادند که رابطه معناداری بین بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی و رفتارهای اجتماعی زیستی محیطی وجود دارد و میزان

تحصیلات افراد می تواند در بروز رفتارهای اجتماعی زیست محیطی افراد مؤثر عمل نماید(واقفی و حقیقتیان، ۱۳۹۳: ۶۱-۶۲).

بحری پور و ذوالفقاری (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان "سرمایه اجتماعی و تبیین رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی" نشان دادند که بین سه مؤلفه سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی و اعتماد اجتماعی با احساس امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد(بحری پور و ذوالفقاری، ۱۳:۱۳۹۲).

روش شناسی تحقیق

از آنجا که موضوع پژوهش بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر امنیت اجتماعی است برای انجام آن از روش کمی- توصیفی استفاده شده است. روش تحقیق بکار گرفته شده در این مقاله از نظر هدف توصیفی و کاربردی، از نظر گردآوری داده ها پیمایشی و از حیث تحلیل از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شهروندان تهرانی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ شمسی به تعداد تقریبی ۱۳ میلیون نفر ساکن و غیر ساکن بوده که از طریق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر از شهروندان تهرانی از طریق نمونه گیری خوشه ای و تصادفی از چهار موقعیت جغرافیایی شمال، جنوب، شرق و غرب شهر تهران بعنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد سرمایه فرهنگی(سپهرنیا، ۱۳۹۱) و پرسشنامه استاندارد امنیت اجتماعی (گرامی، ۱۳۹۱) پس از بررسی روایی صوری و محتوایی توسط صاحب نظران و بررسی پایایی از طریق آلفای کرونباخ (۰/۸۸) مورد تایید قرار گرفته شد. روش تجزیه و تحلیل داده ها در این مقاله از طریق آمار توصیفی(میانگین، واریانس،...) و از طریق آمار استنباطی همبستگی پیرسون و رگرسیون انجام شده است. یافته های این تحقیق می توانند در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی به شرح زیر مورد توجه قرار گیرند.

یافته های کلی پژوهش

۱- آمار توصیفی

با استفاده از آمار توصیفی ابتدا داده های جمعیت شناختی تحقیق شامل، جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی و شغلی، تأهل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای تامین تعداد پرسشنامه

۴۰۰ عدد پرسشنامه بین حجم نمونه توزیع گردید.

جدول (۱) توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان

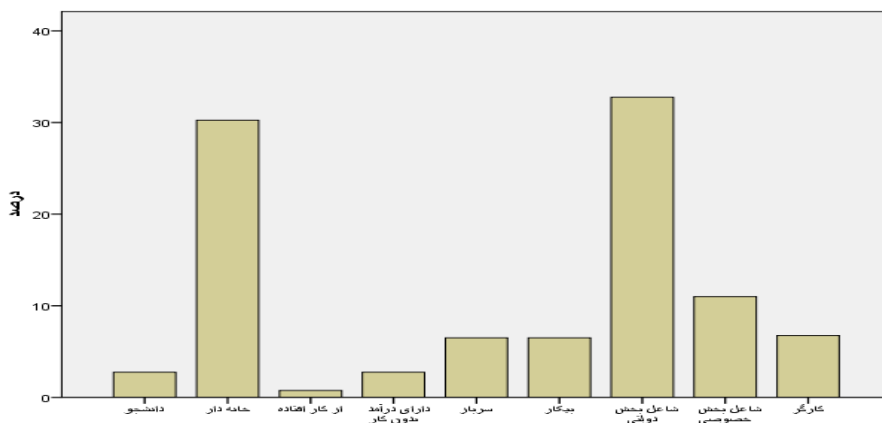
جنسیت	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
زن	200	50.0	50.0
مرد	200	50.0	100.0
جمع کل	400	100.0	

با توجه به جدول فوق، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد می باشند.

جدول (۲) توزیع فراوانی سن پاسخگویان

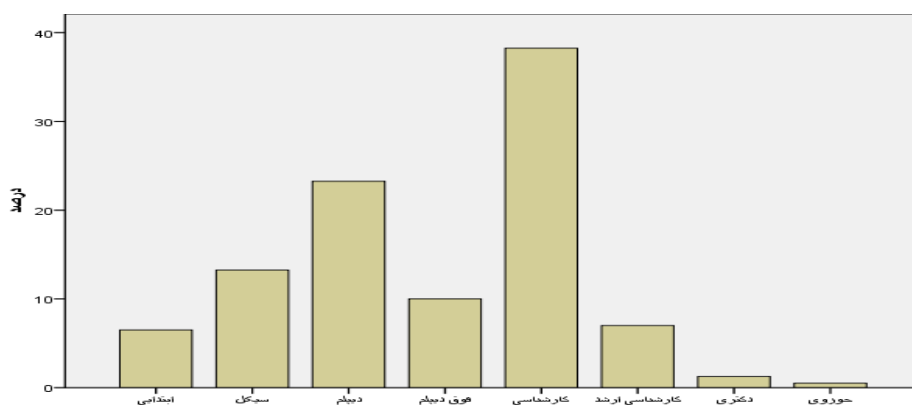
گروه سنی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱۹-۱۵	7	1.8	1.8
۲۰-۲۴	58	14.5	16.2
۲۵-۲۹	61	15.2	31.5
۳۰-۳۴	31	7.8	39.2
۳۵-۳۹	92	23.0	62.2
۴۰-۴۴	46	11.5	73.8
۴۵-۴۹	50	12.5	86.2
۵۰-۵۴	46	11.5	97.8
۵۵ و بالاتر	9	2.2	100.0
جمع کل	400	100.0	

با توجه به جدول فوق از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو؛ ۲۶ نفر با ۶.۵٪ دارای تحصیلات ابتدایی، ۵۳ نفر با ۱۳.۲ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۹۳ نفر با ۲۳.۲ درصد دارای تحصیلات دبیرستانی، ۴۰ نفر با ۱۰٪ دارای مدرک فوق دیپلم، ۱۵۳ نفر با ۳۸.۲٪ دارای مدرک کارشناسی، ۲۸ نفر با ۷٪ دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۵ نفر با ۱.۲٪ دارای مدرک دکتری و ۲ نفر با ۰.۵٪ دارای تحصیلات حوزوی می باشد که بیشترین درصد مربوط به پاسخگویان دارای مدرک تحصیلی



نمودار (۱) توزیع فراوانی میزان تحصیلات پاسخگویان

کارشناسی و کمترین درصد مربوط به پاسخگویان دارای تحصیلات حوزوی می باشد.



نمودار (۲) توزیع فراوانی وضعیت شغلی پاسخگویان

با توجه به جدول فوق، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۲/۸٪ دانشجو، ۳۰/۲٪ خانه دار، ۰/۸٪ از کار افتاده، ۲/۸٪ دارای درآمد بدون کار، ۶/۵٪ سرباز، ۶/۵٪ بیکار، ۳۲/۸٪ شاغل بخش دولتی، ۱۱٪ شاغل بخش خصوصی و ۶/۸٪ کارگر بوده که بیشترین درصد متعلق به افراد دارای مشاغل بخش دولتی می باشد.

جدول (۳) توزیع فراوانی وضعیت تأهل پاسخگویان

وضعیت تأهل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
متأهل	309	77.2	77.2
مجرد	91	22.8	100.0
جمع کل	400	100.0	

با توجه به جدول فوق، از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، ۷۷٫۲ درصد متأهل و ۲۲٫۸ درصد مجرد می باشند.

یافته های تحقیق

یافته های تحقیق مبتنی بر فرضیه های موجود به شرح زیر می باشد:

فرضیه اصلی

"سرمایه فرهنگی و مؤلفه های آن در امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی موثر می باشند". همانگونه که مشاهده می گردد ماتریس همبستگی برای این دو متغیر ارایه شده است. با توجه به شکل فوق، میزان r همبستگی بین دو متغیر سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی برابر با -0.163^{**} - به دست آمده که این مقدار با توجه سطح آماری معنادار نیز می باشد ($p = 0,001$) یعنی با ۹۵ درصد اطمینان نشان داد که سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان موثر می باشد.

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین دو متغیر بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی (y)		متغیرها
P	r	
0,001	-0.163**	سرمایه فرهنگی (x)

** $p < 0.001$

فرضیه ی شماره ۱:

- "به نظر می رسد بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی موثر می باشد".

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین دو متغیر بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی (y)		متغیرها
P	r	
0.02	.111*	بعد تجسم یافته سرمایه فرهنگی (x)

* $p < 0.02$

با توجه به شکل فوق، میزان r همبستگی بین دو متغیر بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی برابر با 0.111^* به دست آمده که این مقدار از نظر آماری معنادار می‌باشد ($p = 0,02$) (=) یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بعد تجسم سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان موثر می‌باشد.

فرضیه شماره ۲:

- "به نظر می‌رسد بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی موثر می‌باشد". همانگونه که مشاهده می‌گردد ماتریس همبستگی برای این دو متغیر ارائه شده است. با توجه به مقادیر، میزان r همبستگی بین دو متغیر بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی برابر با 0.201^{**} به دست آمده که این مقدار با توجه سطح آماری معنادار نیز می‌باشد ($p = 0,000$) و

بنابراین فرض H_1 با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان موثر می‌باشد.

نتایج تحلیل همبستگی پرسون بین دو متغیر بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی (y)		متغیرها
P	r	
0,000	-0.201**	بعد عینیت یافته سرمایه فرهنگی (x)

$^{**}p < 0.000$

فرضیه شماره ۳:

"به نظر می‌رسد بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان تهرانی موثر می‌باشد". همانگونه که مشاهده می‌گردد ماتریس همبستگی برای این دو متغیر ارائه شده است. با توجه به شکل فوق، میزان r همبستگی بین دو متغیر بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی برابر با $0,12$ به دست آمده که این مقدار با توجه سطح آماری معنادار نیز می‌باشد ($p = 0,01$) و

بنابراین فرض H_1 با ۹۵ درصد اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی در امنیت اجتماعی شهروندان موثر می‌باشد.

نتایج تحلیل همبستگی پیرسون بین دو متغیر بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی (y)		متغیرها
P	r	
۰,۰۱	-0.12*	بعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی (x)

نتیجه گیری

در تئوری امنیت اجتماعی، عنصر ضروری برای ایجاد، نگهداشت، کنترل و پایداری امنیت، مقوله فرهنگ می باشد. به این معنا که امنیت را باید با فرهنگ در سیستم اجتماعی ایجاد کرد نه با فشارهای جبری، فرهنگ سازی امنیت باید با توجه به شناخت ریسک‌های جامعه صورت گیرد باید از کودکی آگاه‌سازی را آغاز نمود، فرهنگ امنیت را در کتاب‌های درسی باید برای نظام آموزش و پرورش تعیبه نمود و با آموزش و تکرار رسانه‌ای به طور مداوم آن را درونی و به عادات و سلاطین مبدل نمود.

احساس نابرابری و بی عدالتی که موثرترین عامل نارضایتی در احساس بروز عدم امنیت اجتماعی است بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی. فاصله بین فرهنگ عام، نظام آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها، خاستگاه اجتماعی مبتنی بر وضعیت اقتصادی افراد، وجود خشونت‌های نمادین اجتماعی در کنشگری‌های اجتماعی همه و همه برگرفته از موازین تربیتی افراد و نقش پذیری و فرهنگ پذیری ایشان در خانواده‌ها و پایگاه‌های اجتماعی ایشان شکل می‌پذیرد. به همین خاطر سرمایه‌های فرهنگی می‌تواند بعنوان عامل مهمی در تعیین موفقیت فرد در نظام آموزشی محسوب می‌شود. سرمایه فرهنگی متجسد می‌تواند نوع نگرش، بینش، مطالبات و خواسته‌های فردی و جمعی را رقم زند و با تدبیر و آموزش صحیح در این قالب و ضمن نهادینه ساختن مفهوم احترام به شکل‌گیری امنیت اجتماعی در دایره رفتار آگاهانه و عادات ناخودآگاه جمعی منجر شود.

سرمایه فرهنگی عینیت یافته می‌تواند با ایجاد دسترسی متوازن، امکان مشارکت جمعی را برای بهره برداری از کالاهای فرهنگی فراهم نماید، تا ضمن ایجاد رضایت درونی باعث بروز نشاط اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در جامعه شود، ضمن این‌که با بکارگیری تخصص و دانش مهارتی در سرمایه فرهنگی نهادینه شده می‌توان از مدیریت شایسته‌سالاری در راستای بروز کارکردهای صحیح اجتماعی بهره مند شد و در سایه امنیت بدون تنش، دغدغه و اضطراب زیست کرد.

در نهایت آن که با توجه به یافته های تحقیق مشخص گردید که تمامی ابعاد سرمایه فرهنگی می توانند در راستای تامین امنیت اجتماعی در جامعه مؤثر عمل نمایند. اصولاً افزایش امنیت اجتماعی در هر جامعه ای دارای برکات بسیاری خواهد بود که در بعد مادی آن شاید بتوان از کمتر شدن هزینه های مصروف بر عملکرد نهادهای قضایی و انتظامی و دیگر نهادهای مربوطه نام برد. اما آنچه اهمیت بیشتری در بر دارد در مزایای غیرمادی آن نهفته است و آن احساس امنیت بیشتر در جامعه، احساس رضایتمندی از حاکمیت و ارگان های تابعه آن، افزایش رفاه و آسایش عمومی و اجتماعی در جامعه است. زمانی که سطح بالایی از رضایتمندی و احساس امنیت در جامعه وجود داشته باشد میزان مهاجرت از کشور کم شده و ثروت های هنگفتی برای سرمایه گذاری وارد کشور می گردد که عوامل مذکور می تواند باعث پیشرفت های چشمگیر و افزایش رفاه اجتماعی در جامعه گردد.

آنچه از مفهوم سرمایه فرهنگی بر می آید با چشم قابل مشاهده نیست اما می توان آن را در اجتماعات انسان هایی که باهم تعاون و همکاری متقابل دارند مشاهده نمود. در واقع آن ها با رعایت ابعاد تشکیل دهنده سرمایه فرهنگی که شامل ابعاد تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده می تواند به اهداف مشترک خود دست یابند و با شناسایی به موقع ابعاد سرمایه فرهنگی و تقویت آن ها به ارتقاء امنیت اجتماعی کمک نماید. همان طوری که براساس یافته های استنباطی تحقیق حاضر مشاهده گردید افرادی که دسترسی به مولفه های سرمایه فرهنگی در ابعاد سه گانه آن دارند و از آنها استفاده می کنند باعث افزایش امنیت اجتماعی می شوند و به تعبیر دیگر بین مولفه های سرمایه فرهنگی و امنیت اجتماعی همبستگی وجود دارد. شاید یکی از ریشه ها و دلایل افزایش کجروی ها، انحرافات و آنومی های اجتماعی را در می توان در فقدان و یا کاهش امنیت اجتماعی که رفاه و آسایش عمومی را با نبود خود مختل می سازد جست و جو کرد.

بهر حال وجود سرمایه های فرهنگی تجسد یافته در فردیت افراد می تواند با ایجاد قابلیت ها و مهارت های درونی آحاد اجتماعی را به نوعی وارستگی و استقلال درونی و رضایت مندی از خویش سوق دهد بگونه ای که فرد در درون خود رضایت مندی و خشنودی را درک نموده و طبیعتاً با این حس می تواند در راستای اقناع اجتماعی بنحو احسن عمل نماید. این در حالی است که بهره مندی از آثار فرهنگی و مصرف کالاهای فرهنگی خود می تواند با ایجاد نگرشی همسویانه به آرمان های مشترک در یک جامعه بعنوان، نقطه عطفی برای فعالیت ها و مشارکت

های فرهنگی و اجتماعی محسوب شود و بستر مناسبی را برای تحقق امنیت اجتماعی با بعد عینیت یافته سرمایه های فرهنگی فراهم نماید و در نهایت آن که سرمایه های فرهنگی نهادینه شده با کسب شهرت، آبرو و یا برند می تواند نقطه قوتی برای مردم در راستای توجه بیشتر به محیط آرام اجتماعی و یا امنیت اجتماعی در جامعه محسوب شود.

پیشنهاد های تحقیق

- بر اساس اطلاعات مبتنی بر یافته های این تحقیق که مؤید نقش سرمایه فرهنگی تجسد یافته بیش از ابعاد دیگر بر امنیت اجتماعی در شهر تهران بوده است، پیشنهاد های زیر منطبق با ارتقاء "بعد تجسد یافته" با مقتضیات کلانشهری چون تهران ارائه می گردد:
۱. تأکید بر سیاست گذاری و برنامه ریزی و تهیه نقشه راهبردی آموزش در خانواده و نظام آموزشی در عرصه شکل دهی به سرمایه های فرهنگی خلاق و توانمند، در بین دانش آموزان و دانشجویان
 ۲. از آن جایی که "خانواده" در درجه اول در تولید عادات و ذائقه های معقول و مطلوب در شکل گیری و تولید سرمایه فرهنگی تجسد یافته مؤثر و اثر گذار می باشد، از این رو باید توجه به محوریت و نقش تعیین کنندگی فرهنگ و شکل گیری سرمایه فرهنگی در ساختارها و فراگرد های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در سیاست گذاری های کلانشهر تهران، بویژه در حوزه آموزش خانواده توجه بیشتری نمود.
 ۳. بنظر می رسد می توان توجه بیشتری به تولید عادات و سلائق فرهنگی مبتنی بر باورها و ارزش های ملی و بومی منطبق با زیست بوم فرهنگی در نظام آموزشی در مدارس شهر تهران برنامه ریزی نمود.
 ۴. در ارتقاء بعد سرمایه عینیت یافته فرهنگی می توان به ارتقای کیفیت و امکان دسترسی آسان به کالاهای فرهنگی در سطح شهر و افزایش ظرفیت های موجود، به منظور برآوردن سریع و آسان نیاز شهروندان و خانواده های تهرانی توجه بیشتری نمود.
 ۵. تأکید بر نقش مدارس شهر تهران در توسعه اخلاق عمومی و نگاهی بدون تبعیض و خشونت نمادین برای ایجاد نسل رو به رشد و ایمن سازی از انحراف در سایه تولید سرمایه فرهنگی. امید آن می رود که با تولید سرمایه های فرهنگی و بهره مندی از ابعاد آن بتوان بیش از پیش در راستای توسعه فرهنگی جامعه و محقق سازی امنیت فرهنگی و امنیت اجتماعی سود برده و با تکیه بر آن، بتوان جامعه را به آرامش کارکردی برای بازسازی لایه های ارزشی هدایت نمود.

کتابنامه

- بحری پور، عباس و ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی و تبیین رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: شهرستان کاشان)»، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۳، شماره ۸.
- خسرویپور، سودابه (۱۳۹۲). «بررسی نقش و کارکرد نهاد خانواده در تحقق امنیت اجتماعی در شهر قزوین»، فصلنامه دانش انتظامی قزوین، سال دوم، شماره ششم، پاییز.
- سروستانی‌صدیق (۱۳۸۷). چالش‌های سیاست فرهنگی در ایران، تهران: معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- شارع پور، محمود و خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۱). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز و زمستان.
- شویره، کریستیان و دیگران (۱۳۸۵). واژگان بوردیو، مرتضی کنی، تهران: نی.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.
- صالحی امیری، سید رضا، افشارنادری، افسر (۱۳۹۰). «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، تابستان.
- صالحی امیری، سیدرضا و سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۴). الگوی ارتقاء سرمایه فرهنگی در ایران، تهران: ققنوس.
- طلائی، مرتضی و دیگران (۱۳۹۲). امنیت فرهنگی، اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان.
- عباسی اسفنجیر، علی اصغر، رازقی مله، هادی (۱۳۹۷). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر احساس امنیت شهروندان شهرستان‌های استان مازندران»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال دهم، تابستان.
- فروغی ابری، احمدعلی و طلائی، مرتضی (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در بعد امنیت و تنوع فرهنگی»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، دوره ۹، شماره ۲۲، پاییز.
- کلاه چیان، محمود (۱۳۸۲). «راهکارهای تحقیق در امنیت اجتماعی»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- کوزر، لوئیس و برناد روزنبرگ (۱۳۸۶). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- گرامی، فتح اله (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و منزلت اجتماعی در مدیران مدارس متوسطه شهر خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی امنیت، تهران: انتشارات پیام پویا.
- لرنی، منوچهر (۱۳۸۳). امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- موحد، مجید، همت، صغری (۱۳۹۲). «مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان»، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، دوره ۴، شماره ۲.
- نوبدینیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.

نویدنیبا، منیژه (۱۳۸۴). «گفتمان پیرامون امنیت اجتماعی»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال دوم، شماره چهار و پنجم.
واقفی، الهام، حقیقتیان، منصور (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری»، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، پاییز، دوره ۲، شماره ۸.